

ضرورت برنامه ریزی هم‌آهنگ در حوزه ایران‌شناسی

چهارمین اجلاس «مجمع اروپایی مطالعات ایرانی» در روزهای پانزدهم تا نوزدهم شهریور با شرکت حدود سیصد نفر از ایران‌شناسان کشورهای مختلف جهان و علاقه‌مندان در شهر پاریس برگزار گردید. این اجلاس با «جلسه عمومی» آغاز به کار کرد و بعد با سخنرانی‌های اعضا، جلسات میزگرد و بازدید از مراکز فرهنگی ادامه یافت. در جلسه عمومی گزارش دبیرکل و سخنرانی یکی از شرکت‌کنندگان انجام پذیرفت.

مجمع اروپایی مطالعات ایرانی (یا انجمن ایران‌شناسان اروپا) در سال ۱۳۶۵ بنیاد نهاده شده است و هر چهار سال یک بار یک اجلاس عمومی برپا می‌کند. اولین اجلاس (یا کنفرانس) آن در همان سال در شهر تورینوی ایتالیا برگزار شد، دومین در ۱۳۷۰ در شهر بامبرگ / Bamberg آلمان و سومین در ۱۳۷۴ در دانشگاه کیمبریج انگلیس. به عقیده صاحب‌نظران هر کنفرانس موفق‌تر از کنفرانس قبلی بوده است و این نتیجه کسب تجزیه در اجلاس‌های قبل و ارائه پیشنهاد‌های تازه و سازنده به وسیله اعضا یا علاقه‌مندان است. به همین سبب است که ایران‌شناسی که بر اساس تبلیغات مغرضانه از چندی پیش تا سال‌های اخیر می‌رفت تا ابهت و اهمیت خود را به ظاهر از دست دهد، دوباره رونق گرفته و بازار آن گرم شده و مورد توجه روزافزون قرار گرفته است. علی‌الخصوص که ظاهراً درهای «انجمن» به روی همگان باز است و هر روز بر تعداد اعضا و وابستگان آن افزوده می‌شود. انجمن در حال حاضر چهار نوع عضو دارد: عادی، افتخاری، بهره‌یاب و دانشجو و برای این که دانشجویان بیشتر از پیش به آن روی آورند تسهیلاتی برای آنان در نظر گرفته شده است.

علاوه بر این، با این که انجمن عنوان «اروپایی» برخوردار دارد منحصر به اروپائیان نیست

و برخی از محققان شرقی هم در آن عضویت دارند. و این اتفاقاً یکی از محاسن انجمن است زیرا که موجب تماس اندیشمندان شرق و غرب می شود و انتقال تحقیقات و دریافت‌ها را تسهیل می کند.

در چهارمین اجلاس انجمن ایرانشناسان اروپایی با همه تلاش دست‌اندرکاران اشکالاتی فراوان به چشم می خورد، که به چند موضوع مهم از آنها اشاره می شود.

الف. با نهایت تأسف مشاهده شد که زبان فارسی را به عنوان زبان رسمی این مجمع در نظر نگرفته بودند و شرکت‌کنندگان از این موضوع اطلاع نداشتند تا قبل از برگزاری اقداماتی برای تصحیح این عمل بسیار نادرست انجام پذیرد. زبان فارسی در حوزه مطالعات ایران‌شناسی از اهمیتی اصولی و ریشه‌ای برخوردار است که باید حتماً به عنوان حداقل یکی از زبان‌های رسمی اجلاس مورد تأیید دست‌اندرکاران قرار می گرفت. به ویژه که در اجلاس سوم نیز این مهم انجام شده و زبان فارسی نقش جدی خود را در آنجا ایفا کرده بود. انتقاد از عدم توجه به این زبان و آوردن زبان‌هایی مانند ایتالیایی به عنوان زبان رسمی که فقط چند نفر به آن تکلم می کردند، نشان دهنده اوج بی توجهی به زبان فارسی در اجلاس بود.

ب. نکته قابل توجه در این مجمع فقدان برنامه‌ریزی و نظم و ترتیب دقیق و متناسب با حضور سیصد نفر از دست‌داران زبان فارسی و فرهنگ ایرانی و ایران‌شناسی بود و در این زمینه ضعف‌های فراوانی مشاهده می شد، به طوری که جدول برنامه‌ها هر روز در حال تغییر بود.

ج. موضوعات مطرح شده بسیار گسترده و بدون هیچ ضابطه‌ای از لحاظ محدودیت موضوع بودند. در طیف وسیع از ایران باستان تا ایران سیاسی امروز و بدین لحاظ مقالات ارائه شده از انسجام و نظم و طبقه‌بندی علمی برخوردار نبودند.

در هر صورت توجه به ایران و مسائل ایران در حوزه‌های تاریخی و فرهنگی و اجتماعی هر روز در جهان رو به گسترش است، که امیدواریم با هماهنگی بیشتری با محافل دانشگاهی و علمی ایران ایرانشناسی در فراسوی مرزها رو به رشد و تعالی گذارد.

سر دبیر